

تأثیر هیدروپلیتیک منطقه‌ی حکومت امارت اسلامی افغانستان بر هم‌گرایی منابع آبی فرامرزی

علیرضا انصاری کارگر^{۱*}، بصیراحمد حصین^۲، عتیق‌الله رحیمی^۳

چکیده

سیاست‌های آبی منطقه‌ی به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعات ژئوپلیتیک آب، بر نقش قدرت‌های دولتی در کنترل منابع آبی فرامرزی تأکید دارد. افغانستان، به‌عنوان کشوری با منابع آب سطحی قابل توجه، نقش راه‌بردی در معادلات آبی منطقه‌ی ایفا می‌کند. با روی کار آمدن حکومت امارت اسلامی، در سال ۲۰۲۱ م. سیاست‌های آبی این کشور در سطح داخلی و منطقه‌ی دست‌خوش تغییراتی شده است، که می‌تواند بر توازن قدرت هیدروپلیتیک تأثیرگذار باشد. سؤال اصلی تحقیق این است که هیدروپلیتیک منطقه‌ی امارت اسلامی چه تأثیری بر هم‌گرایی منابع آبی فرامرزی داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش، روش تحقیق تحلیلی - تبیینی به کار گرفته شده و برای جمع‌آوری اطلاعات و مواد خام، از ابزارهای کتابخانه‌ی استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که حکومت کنونی افغانستان به دلیل برخورداری از استقلال سیاسی، حق حاکمیت آبی، موقعیت دست بالا در برابر کشورهای همسایه و وابستگی آن‌ها به آب‌های افغانستان، این کشور را در جایگاهی خاص قرار داده است؛ با این حال، زمینه هم‌گرایی منابع آبی هنوز وجود دارد؛ مشروط بر این که عدم امنیتی‌سازی آب، سیاست‌زدایی از مسأله آبی، طرح‌های بدیل کشاورزی سنتی و استفاده از بندرهای تجاری هم‌سایه‌گان برای سیاست‌های امارت اسلامی مدنظر قرار گیرد.

واژه‌گان کلیدی: هیدروپلیتیک، هیدروژئومونیک، هیدرورتالیزم، هم‌گرایی، امارت اسلامی افغانستان.

* هیئت‌علمی رشته روابط بین‌الملل دانش‌کده/پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، دانش‌گاه/پوهنتون جامی، هرات، افغانستان (نویسنده مسؤول alirezaansary@yahoo.com)

^۲ هیئت‌علمی رشته علوم سیاسی دانش‌کده/پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، دانش‌گاه/پوهنتون جامی، هرات، افغانستان (b.hasin@jami.edu.af)

^۳ هیئت‌علمی رشته علوم سیاسی دانش‌کده/پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، دانش‌گاه/پوهنتون جامی، هرات، افغانستان (a.rahimi@jami.edu.af)

این مقاله تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر شده است.



Research Article

ISSN
P: 2788-4155
E: 2788-6441

Ghalib

Received: 31/ 03/ 2025
Accepted: 15/ 06/ 2025
Published: 22/ 07/ 2025

OPEN ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>

DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.2.13>

PP: 47 - 71

Assessing the Regional Hydropolitical Influence of the Islamic Emirate of Afghanistan on Transboundary Water Resource Integration

Alireza Ansary kargar^{*1}, Basir Ahmad Hasin², Atiqullah Rahimi³

Abstract

Regional water policies, as a key concept in geopolitical studies of water, emphasize the role of state powers in controlling transboundary water resources. Afghanistan, endowed with significant surface water resources, plays a strategic role in regional water dynamics. With the rise to power of the Islamic Emirate government in 2021, the country's water policies—both domestically and regionally—have undergone notable changes, potentially affecting the balance of hydropolitical power. The central question of this study is: What impact has the regional hydropolitics of the Islamic Emirate had on the convergence of transboundary water resources? To address this question, the study adopts an analytical-explanatory research methodology and relies on library-based tools for data collection. The findings reveal that the current government of Afghanistan, owing to its political independence, sovereign water rights, upper-hand geographic position vis-à-vis neighboring countries, and their dependency on Afghanistan's water resources, holds a distinct position in the regional water hierarchy. Nevertheless, the potential for water resource convergence remains—provided that water is not securitized, water issues are depoliticized, alternative models to traditional agriculture are promoted, and the commercial ports of neighboring countries are incorporated into the Islamic Emirate's broader policy framework.

Keywords: Hydropolitics, Hydro-hegemony, Hydro-realism, Convergence, Islamic Emirate of Afghanistan.

^{*1}. Department of international Relations, faculty of law and political Science, Jami University, Herat, Afghanistan (Corresponding Author: alirezaansary@yahoo.com)

². Assistant Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, jami University, Herat, Afghanistan (b.hasin@jami.edu.af)

³. Department of international Relations, faculty of law and political Science, Jami University, Herat, Afghanistan (a.rahimi@jami.edu.af)



۱. مقدمہ

آب به عنوان یکی از نیازهای اساسی و اولیه موجودات زنده محسوب می‌شود؛ و این نیازمندی بیش تر ناشی از تداوم هستی برای بقا قلمداد می‌گردد. آب، برای کشورهایی که محاط به خشکی هستند، از ارزش‌مندی ویژه‌ی برخوردار است. افغانستان از لحاظ جغرافیایی نیز کشوری است که در جغرافیای طبیعی محصور مانده و مرزهای سیاسی، که نمود و پیکربندی این کشور را ترسیم کرده، نشان‌دهنده عدم دسترسی به آب‌های آزاد به صورت مستقیم است. بر همین اساس، موضوع هیدروپلیتیک، برای این کشور از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است، تا جایی که می‌توان گفت آب در تراز با نفت اهمیت سیاسی پیدا کرده است؛ بر همین اساس، آب یک منبع قدرت و کمبود آب یک معضل استراتژیک و حیاتی برای دولت‌هاست (ذکی و هم‌کاران، ۱۳۹۴: ۳۸)؛ باتوجه به تحولات و دگرگونی‌هایی که در عرصه زیست‌محیطی شکل گرفته، ذخایر آب‌های شیرین تجدیدپذیر بسیاری از کشورهای جهان در فاصله کم تر از نیم قرن به میزان قابل توجهی کاهش یافته و حتا برخی از مناطق را با شرایط بحران آبی مواجه کرده است. چنین چالشی اهمیت مدیریت و کنترل یا استیلا بر منابع آبی را روز به روز از حوضه محیطی به سمت سیاست قدرت می‌کشاند و نقش آن را در رفتارهای سیاسی برجسته می‌کند. اختلاف و رقابت بر سر چه‌گونه‌گی بهره‌برداری از منابع آب، ریشه‌ی طولانی در تاریخ ملل دارد و چهار ویژه‌گی «کم‌یاب بودن»، «توزیع ناهم‌گون»، «غیرقابل جای‌گزین بودن» و «رقابتی بودن»، باعث شده تا آب به عنوان یک منبع طبیعی و ازجمله ارزش‌های جغرافیایی بسیار مهم در سطح جهان، محسوب شده، که سبب رقابت‌آمیز و تنش‌زاشدن در بین گروه‌های انسانی و کشورها گردد (ذکی و هم‌کاران، ۱۴۰۱: ۹۸)؛ این نگرانی‌ها و کشمکش‌ها را می‌توان یکی از مسائل سیاسی جهان دانست؛ زیرا هیچ دولت و بازیگری نمی‌تواند به صورت انفرادی و خودبنیاد موضوعات هیدروپلیتیکی را حل و فصل نماید. در نتیجه، رشد صنعت و افزایش جمعیت از یک سو و درهم‌تنیده‌گی زمان و مکان که محصول جهانی‌شدن است از طرفی دیگر، مشکلات و چالش‌هایی چون تغییرات اقلیمی، بحران‌های کم‌آبی، افزایش جمعیت و مهاجرات‌های توده‌ی پدیدار گردیده است، که مستلزم هم‌کاری و هم‌گرایی دولت‌ها را می‌طلبد.

گرچه ۷۵٪ سطح زمین را آب تشکیل داده است؛ ولی بخش اعظم این آب‌ها قابلیت استفاده برای بقای زیست انسانی را ندارند و آب شیرین سطح زمین تنها ۳٪ مجموع کره را تشکیل می‌دهد (گرگیچ و خزایی، ۱۳۹۸: ۴۹)؛ بر همین اساس، اهمیت دسترسی به «آب‌های قابل شرب» را بیش تر کرده است. آن‌چه نگرانی‌ها را افزایش می‌دهد، سوء مدیریت و عدم هم‌گرایی در استفاده از آب‌هایی است که به صورت مشترک در بین چند واحد سیاسی جریان دارد؛ به عبارتی، در صورت عدم وجود

[تأثیر هیدروپلیتیک منطقه‌یی حکومت امارت اسلامی افغانستان بر ...] غالب

ساختار مناسب حکمرانی و سوء مدیریت، این منابع آبی مشترک می‌توانند به نحو اجتناب‌ناپذیری به یک مقولهٔ سیاسی و امنیتی تبدیل شود (قریشی و هم‌کاران، ۱۳۹۸: ۲۴۳).

باتوجه به این که در افغانستان حکومت‌های پایداری وجود نداشته، موضوع آب همواره زمینه‌ساز مناقشات و تنش‌های بنیادی بوده است؛ گرچه برخی از همسایه‌گان افغانستان، آب را نسبت به نفت بااهمیت‌تر و سودمندتر می‌بینند؛ ولی دسترسی به چنین منبع حیاتی بدون وجود سازوکارهای مشروعیت‌بخش کمتر حاصل شده، که زمینه ساز شکل‌گیری گفت‌مان «امنیت آبی» گردیده؛ البته شناخت درک صحیح مسأله و مفهوم امنیت آب برای رسیدن به سیاست‌گذاری پایدار در این حوضه اهمیت به‌سزایی دارد (میان‌آبادی و قریشی، ۱۴۰۰: ۲۳۹)، که می‌تواند بستری برای هم‌گرایی یا واگرایی شود، و باتوجه به موقعیت خاص افغانستان این کشور جای‌گاه ویژه‌یی در مسائل ژئوپلیتیک آبی در منطقه دارد؛ زیرا مناطق به‌صورت الگوهای روابط و تعاملات در داخل یک ناحیهٔ جغرافیایی در نظر گرفته می‌شود. مضافاً این که براساس ارزیابی پژوهش‌گران مؤسسهٔ فنآوری ماساچوست (ام‌آی‌تی)، بیش از نیمی از جمعیت ۹٫۷ میلیارد نفری جهان در سال ۲۰۵۰ در مناطق دارای تنش آبی زنده‌گی خواهند کرد (خسروانی و توحید فام، ۱۳۹۹: ۶)، و این عامل با ترکیبی از فقر، تخریب محیط زیست، ضعف نهادهای سیاسی مسبب افزایش مناقشات و تنش‌های آبی در کشورهای توسعه نیافته خواهد شد؛ زیرا با تغییرات اقلیمی مباحث هیدروپلیتیک روز به روز جدی‌تر می‌گردد.

در مورد پیشینهٔ تحقیق باید اذعان کرد که دربارهٔ هیدروپلیتیک افغانستان مقالات زیادی نگاشته شده و محققان از زوایای متفاوتی نسبت به موضوع پرداخته‌اند؛ ولی اکثر چنین تحقیقاتی از لحاظ زمانی منحصر به دوره‌یی می‌شود که نظام قبلی (جمهوری اسلامی افغانستان) حاکم بود و در مورد هیدروپلیتیک افغانستان در زمان حکومت امارت اسلامی کمتر تحقیقی صورت گرفته است، که خود نشان‌دهندهٔ نوآوری موضوع می‌باشد. در این‌جا به برخی از مقالات که به تحقیق کنونی ارتباط نسبی دارند اشاره می‌شود:

- وینسنت توماس و گیورن وارنر^۱ (۱۳۹۴)، در اثر هیدروپلیتیک حوضهٔ آبریز هریرود: آیا /افغانستان یک هیدروژمون است؟^۲ تحلیل می‌کند که افغانستان با وجود دستیابی بر کنترل بیش‌تر منابع آبی، هنوز نمی‌تواند مصداقی از تعریف هیدروژمون باشد و راه‌بر تصرف منابع آبی این کشور تنها می‌تواند به‌عنوان یک گفت‌مان یا گفت‌وگو در آینده عمل کرد داشته باشد؛

^۱. Vincent Thomas and Jeroen Warner

^۲. Hydropolitics in the Harrirud/Tenjen River Basin: Afghanistan as hydro-hegemon?

- فرهاد گرگیج و ضیاء خزایی (۱۳۹۸)، در مقاله بررسی تأثیر هیدروپلیتیک هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس نظریه امنیت‌سازی مکتب کپنهاک و تعریف امنیت‌سازی مبنی بر این که امنیتی کردن، مسائل مشخصی به مثابه تهدید آشکار می‌شوند، یافته‌اند که هیدروپلیتیک هیرمند در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و به ویژه زیست‌محیطی بر امنیت ملی ایران تأثیر گذاشته و همچنین ماهیت تقسیم آب هیرمند بیش از این که سیاسی باشد، فنی و تخصصی است و باید این موضوع سیاسی‌زدایی شود تا منافع ملی دو طرف آسیب نبیند؛
- روح‌الله اسلامی، رضا سرحدی و مهدی فیضی (۱۳۹۸) در مقاله راه‌بردهای دیپلماسی تأمین حقابه رودخانه هیرمند، براساس نظریه بازی‌ها، یافته‌اند که دسترسی افغانستان به بند چابهار و تأمین حقابه هیرمند به‌عنوان نقطه تعادل و به‌ترین گزینه بر هر دو کشور در فرایند مذاکرات براساس دیپلماسی خواهد بود؛
- حجت میان‌آبادی و سیده زهرا قریشی (۱۴۰۰)، در مقاله بازتعریف مؤلفه‌های امنیت آبی که با روش توصیفی - تحلیلی در مورد مؤلفه‌های امنیت آبی نگارش یافته؛ نشان می‌دهند درک امنیت آبی نیازمند شناخت ماهیت مفهوم امنیت و ذات منابع آب است و همچنین با رویکردی به نظریه برساخت‌گرایی منافع و سیاست‌ها متأثر از ایدئولوژی، ارزش‌ها، هنجارها و هویت‌ها هم می‌شود؛
- یاشار ذکی و هم‌کاران (۱۴۰۱) در مقاله الگویابی بنیان‌های هیدروپلیتیک هم‌گرایانه و واگرایانه بین ایران، افغانستان و ترکمنستان در حوضه‌های آبریز مرزهای شرقی با رویکرد هیدروئرالیزم و هیدرولیبیرالیزم نتیجه گرفته‌اند، که کشورهایی که در وضعیت بالادست آبریزها قرار دارند (افغانستان) با رویکرد هیدروئرالیزم (واگرایی) به مسأله هیدروپلیتیک برخورد می‌کنند و کشورهایی که در پایین‌دست آبریزها قرار دارند نسبت به هیدروپلیتیک رویکرد هیدرولیبیرالیزمی (هم‌گرایی) دارند؛
- بهنام اندیک و حجت میان‌آبادی (۱۴۰۲)، در مقاله هیدروپلیتیک رودخانه کابل: نقش آب در تعاملات افغانستان و پاکستان، یافته‌اند که اختلاف دو کشور بر سر نحوه مدیریت حوضه آبریز کابل تنها به مسائل فنی خلاصه نمی‌شود، بل که این موضوع دربرگیرنده اختلافات سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و امنیتی هم هست. این مقاله تازه‌ترین مقاله بعد از سقوط نظام جمهوریت است، که در مورد هیدروپلیتیک نگاشته شده است، ولی یافته‌های تحقیق فقط منوط به پاکستان بوده، درحالی که مقاله فعلی به‌صورت کلی جای‌گاه و فرصت‌های هیدروژئومونیک حکومت امارت اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در پیشینه تحقیق، دیده می‌شود که تأثیر هیدروپلیتیک منطقه‌یی حکومت امارت اسلامی افغانستان، که از سال ۲۰۲۱ م. قدرت را به دست آورده، هم‌گرایی منابع آبی فرامرزی، مورد بررسی دقیقی قرار نگرفته است. بر همین اساس مقاله کنونی تلاش می‌کند تا سازوکارها و فرصت‌های تعامل منطقه‌یی براساس سیاست آبی امارت اسلامی را مورد بررسی قرار دهد.

اهمیت موضوع تحقیق در این است که بحران آب دیرگاهی است که آغاز شده و در آینده نیز فزاینده‌گی و گسترده‌گی بیش‌تری خواهد داشت. کشورهایی که واقع در نوار خشک موقعیت دارند، نسبت به این بحران بیش‌تر متأثر می‌گردند. بر همین اساس افغانستان با توجه به موقعیت جغرافیایی و محاط به خشکی، از حوضه‌های آبریز مناسبی برخوردار است، که می‌تواند نقش هیدروهمژمونیکی آن را نسبت به منطقه برجسته سازد، که این برجسته‌گی گاهی می‌تواند زمینه‌ساز واگرایی و گاهی هم زمینه‌ساز هم‌کاری گردد.

با توجه به پیشینه و اهمیت موضوع، هدف این تحقیق، یافتن پاسخ درخور به این پرسش است که: هیدروپلیتیک منطقه‌یی امارت اسلامی چه تأثیری بر هم‌گرایی منابع آبی فرامرزی داشته است؟

روش تحقیق تحلیلی-تبیینی به کار گرفته شده و برای جمع‌آوری اطلاعات و مواد خام، از ابزارهای کتابخانه‌یی استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که افغانستان با برخورداری از استقلال سیاسی، حق حاکمیت آبی و موقعیت برتر نسبت به کشورهای هم‌سایه، به جای‌گاهی ویژه در معادلات آبی منطقه دست یافته است؛ باین‌حال، تحقق هم‌گرایی منابع آبی منوط به پرهیز از امنیتی‌سازی و سیاست‌زدایی از مسأله آب، اصلاح الگوی کشاورزی سنتی و بهره‌گیری از ظرفیت بندرهای تجاری کشورهای هم‌سایه است.

مفیدیت تحقیق حاضر با عنوان تأثیر هیدروپلیتیک منطقه‌یی حکومت امارت اسلامی افغانستان بر هم‌گرایی منابع آبی فرامرزی در بستر پیچیده ژئوپلیتیک منطقه‌یی، تلاشی است در جهت تبیین نقش نوظهور حکومت جدید افغانستان در سیاست‌گذاری آبی منطقه. با توجه به تغییر ساختار قدرت در افغانستان و افزایش اهمیت منابع طبیعی به‌ویژه آب در معادلات بین‌المللی، این پژوهش می‌کوشد تا جای‌گاه و تأثیرگذاری امارت اسلامی را در تعاملات آبی با کشورهای هم‌سایه تحلیل کند.

۲. چهارچوب نظری

کاهش منابع حیاتی و مشترک میان کشورها می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های دوجانبه، منطقه‌یی و بین‌المللی شود، که از آن با عنوان «بحران منابع» یاد می‌شود (واعظی، ۱۳۹۰: ۱۳۳)؛ با توجه به اهمیت و نقش راه‌بردی آب در سیاست، چهارچوب نظری هیدروهمژمونی که توسط مارک زیتون^۱ و

^۱. Mark Zeitoun

جیری وارنر^۱ ارائه شده، مبنای تحلیل روابط قدرت در مدیریت منابع آب فرامرزی قرار می‌گیرد. هم‌چنین برای مفهوم هم‌گرایی از نظریه کارکرد/ نوکارکردگرایی استفاده شده است. هیدروهمژمونی^۲ به‌عنوان یک چهارچوب نظری، برای بررسی چه‌گونه‌گی اعمال قدرت‌های منطقه‌یی بر منابع آبی مشترک و تحمیل همژمونی بر کشورهای هم‌جوار مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نظریه نشان می‌دهد که دولت‌ها چه‌گونه با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف، بر منابع آب تسلط می‌یابند و بر سیاست‌های آبی کشورهای دیگر تأثیر می‌گذارند. براساس این چهارچوب نظری، قدرت در مناسبات آب‌های فرامرزی به سه نوع اصلی تقسیم می‌شود: قدرت سخت یا مادی، قدرت ایدئولوژیک، و قدرت چانه‌زنی (قریشی و هم‌کاران، ۱۳۸۹: ۲۴۸).

جدول ۱: روابط قدرت در مدیریت منابع آب‌های فرامرزی مشترک بر مبنای نظریه مارک زیتون و جیری وارنر

ویژه‌گی‌ها	انواع قدرت
شامل توانایی‌های اقتصادی، نظامی و فنی برای کنترل منابع آب است، ساخت سدها و مدیریت منابع آب، موقعیت جغرافیایی کشور حوضه آبریز مشترک، میزان جمعیت ساکن.	قدرت مادی / سخت ^۳
تأکید بر حاکمیت ملی و حقایق طبیعی: این نوع قدرت شامل گفت‌وگو، سازش، مشروعیت‌بخشی و اعمال نفوذ بر درک عمومی از سیاست‌های آبی است.	قدرت ایدئولوژیک ^۴
ورود به مذاکرات و معاهدات منطقه‌یی: شامل استفاده از دیپلماسی، معاهدات و قوانین بین‌المللی برای تثبیت همژمونی در حوضه آب است (قدرت مبتنی بر قوانین و رژیم‌های بین‌المللی).	قدرت چانه‌زنی ^۵

هیدروهمژمونی یکی از واژه‌گان پُربسامد^۶ در مطالعات هیدروپلیتیکی است، که بر همژمونی در سطح و مقیاس حوضه رودخانه تأکید دارد که از طریق راه‌بردهای کنترل منابع آب، مانند قطع جریان، یک‌پارچه‌سازی اراضی و آبیاری و مهار بخش عمده آب پدید می‌آید (Zeitoun & Warner, 2006; 435). وضعیت یادشده به معنای قدرت سیاسی نامتقارن در میان کشورهای مشترک در یک حوضه آبریز است، که نقش بنیادی در مناسبات بین این دولت‌ها دارد. براین پایه، هیدروهمژمون آن دولت قوی‌تر است که بیش از سهم خود از آب‌های مشترک بهره‌برداری می‌کند (حکمت‌آرا و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲۷). واقع‌گرایی، همژمونی را در ابتدا غلبه قدرت و سپس، توانایی استفاده از این قدرت برای تسلط بر دیگران تعریف می‌کند (فرجی، ۱۴۰۰: ۱۸۸).

1. Jeroen Warner

2. Hydro-Hegemony

3. Material Power

4. Ideational Power

5. Bargaining Power

6. High-Frequency

[تأثیر هیدروپلیتیک منطقه‌یی حکومت امارت اسلامی افغانستان بر ...] غالب

پیتر هاگت باورمند است که عوامل جغرافیایی به همان اندازه، که در تعیین روابط و سیاست خارجی کشورها نقش دارند، در ایجاد تنش و ناامنی نیز می‌توانند دخیل باشند (اخباری و هم‌کاران، ۱۳۹۹: ۱۸)؛ برعلاوه، امروزه کنترل و مدیریت بر منابع آبی هم نقش مهمی در روابط دولت‌ها دارد، که بستر ساز گفت‌وگوهای هیدروهم‌ژمونی را به وجود آورده است. باتوجه به روند تشدید کم‌بود آب در منطقه‌یی که یکی از متغیرهای مهم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است، هیدروهم‌ژمونی عامل مهمی در قدرت یک کشور قلمداد می‌گردد؛ از این‌رو، آب برای افغانستان و سایر کشورها ارزشمند و حیاتی‌ست؛ زیرا حاکمیت بر روی منابع آب یک مسأله ژئوپلیتیکی است (Braden & Shelley, 2005; 108)، که هیدروهم‌ژمیک از درون آن پدیدار می‌گردد.

به عبارت دیگر، امروزه کم‌بود آب یکی از چالش‌های زیستی دولت‌ها قلمداد می‌گردد، برخورداری از آب می‌تواند هم‌چون یک سلاح استراتژیک قدرت‌مند در مقابل همسایه‌گان عمل کند. از آنجایی که آب‌ها از مرزهای سیاسی عبور می‌کنند، دولت‌ها آب را در مفهوم حاکمیت ملی و استقلال می‌بینند و آب‌های قابل استفاده کم‌یاب‌اند، وابسته‌گی به آب‌ها به عنوان یک تهدید برای دولت‌ها محسوب می‌گردد و این وابسته‌گی زمینه اختلاف و مناقشه بر سر کنترل آب را به بار می‌آورد (ذکی و هم‌کاران، ۱۴۰۱: ۱۰۴)، و اجرای سیاست هیدروهم‌ژمون ممکن است سبب شکل‌گیری هیدرورتالیزم شود.

در چهارچوب نظری هیدروهم‌ژمونی باید به سه سطح توجه کرد؛ زیرا در هر یک از این سطوح نوع سیاست‌های آبی و قابلیت اعمال توان‌مندی‌های آن نیز سنجیده می‌شود.

جدول ۲: سطوح مختلف هیدروهم‌ژمونی

کشوری کاملاً بر منابع آبی تسلط دارد و بدون چالش از سوی کشورهای دیگر، سیاست‌های آبی خود را اجرا می‌کند.	سطح نخست؛ هیدروهم‌ژمونی مطلق ^۱
کشوری بر منابع آب مسلط است، ولی در عین حال ممکن است با مقاومت کشورهای پایین‌دست مواجه شود.	سطح دوم؛ هیدروهم‌ژمونی نسبی ^۲
کشور هم‌ژمون با مخالفت شدید کشورهای دیگر و یا تغییر در موازنه قدرت آبی مواجه است، که سبب شکل‌گیری تنش‌های آبی به صورت فزاینده و رقابتی می‌گردد.	سطح سوم؛ چالش هم‌ژمونی ^۳

یکی از موضوعات بسیار مهم هیدروهم‌ژمونیک بحث امنیتی‌ساختن^۴ آب است؛ براساس این نظریه، امنیت بیش از این که مصداقی عینی باشد، گفتاری، بین‌الذهنی و خودمصدیقی است؛ به این عبارت

1. Absolute Hydro-Hegemony

2. Relative Hydro-Hegemony

3. Contested Hydro-Hegemony

4. Securitization

که واژه امنیت از سوی بازیگر امنیت‌ساز، سبب می‌شود که یک پدیده از حوزه عمومی یا سیاسی وارد حوزه امنیتی شود (عبدالله خانی، ۱۳۹۲: ۳۰۲)؛ زیرا احساس می‌شود که این موضوع با هستی یک دولت یا موضوع پیوند پیدا می‌کند. اجرای امنیتی‌شدن در مجموع دربرگیرنده سه جزء بازیگران امنیت‌ساز، پدیده امنیتی و مخاطب می‌گردد. امنیتی‌ساختن آب در واقع با تهدید وجودی مصداق می‌یابد؛ به عبارتی، تهدید وجودی به حدی از تهدید اشاره دارد که موجودی را به خطر می‌اندازد و به همین خاطر رسیده‌گی به آن در اولویت قرار می‌گیرد (میان‌آبادی و قریشی، ۱۴۰۰: ۲۵۷).

هیدروهمز مونی بیش‌تر منجر به هیدروریالیزم می‌گردد؛ ولی از آن‌جایی که آب امکان گفت‌مان مبتنی بر هم‌کاری منطقه‌یی را فراهم می‌سازد، هم‌گرایی در چهارچوب کارکردگرایی ممکن می‌شود. طبق نظر کارکردگرایان به جای دیپلمات حرفه‌یی، متخصصان فنی به‌ترین عوامل ایجاد پیوندهای تشریک مساعی در آن سوی مرزهای ملی به‌شمار می‌رود. به تعبیری تأمین نیازهای مشترک (آب) عامل عمده در متحداختن مردم در ورای مرزهای دولت به‌شمار می‌رود (قوام، ۱۳۹۰: ۴۶).

از دیدگاه نوکارکردگرایی شکل‌گیری مناطق «هم‌گرا» مستلزم سه مرحله است: مرحله خیزش؛ مرحله سرایت و مرحله پایانی. پدیدارشدن مرحله خیزش مستلزم به‌وجودآمدن مجموعه‌یی از علت‌ها و شرایط تسهیل‌کننده است؛ براساس رویکرد نوکارکردگرایی عمده‌ترین علت شکل‌گیری مرحله خیزش پیدایش نیازهای اقتصادی و اجتماعی است؛ مرحله سرایت، تداوم‌یافته مرحله اول است، به‌شرطی که هم‌کاری‌های مرحله خیزش مثبت و مؤثر واقع شود. سرانجام در مرحله پایانی، هم‌گرایی نسج گرفته و هستی می‌یابد. از دیدگاه کارل دویچ، مناطق مذکور می‌تواند به دو حالت جامعه امنیتی تکثرگرا و مناطق امنیتی ادغام‌شده به‌وجود آید و به حیات خود ادامه دهد (قاسمی، ۱۳۹۰: ۵۷). در دیپلماسی کارکردگرایانه، استدلال اصلی این است که اگر بازیگران منطقه‌یی بتوانند بسته‌یی از منافع دوجانبه را در چهارچوب دیپلماسی اقتصادی تعریف کنند، این وابسته‌گی اقتصادی دوجانبه، با تأثیرگذاری بر اراده سیاسی دولت‌ها و جلب حمایت‌های مردمی، باعث انعطاف‌پذیری طرفین در مورد بهره‌برداری منصفانه از منابع آبی مشترک خواهد شد و با ترکیب دیپلماسی اقتصادی - آبی نوعی امتیاز بُرد - بُرد به‌وجود می‌آید (سینایی و جمالی، ۱۳۹۷: ۸۹).

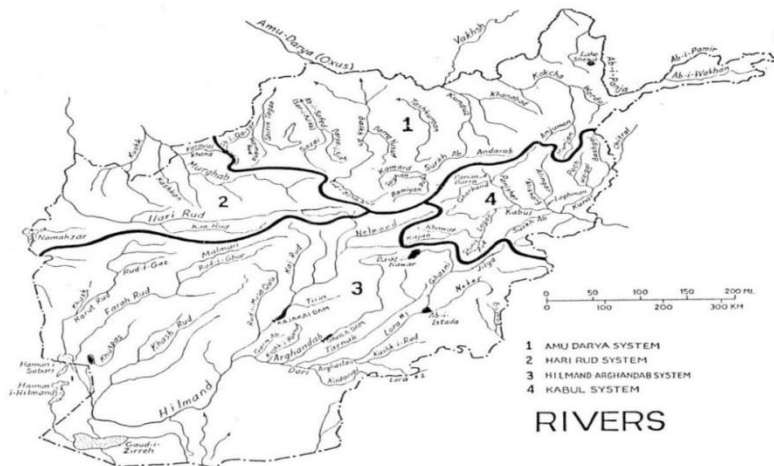
۳. عوامل و پیش‌فرض‌های هیدروهمز مونیک حوضه‌های آبریز افغانستان

مناطق و موقعیت جغرافیایی خاص یک کشور بر الگوهای تعامل منطقه‌یی تأثیر مستقیمی دارد؛ به‌گونه‌یی که بار استراتژیک منطقه نقش حساس و استراتژیک مناطق در شکل‌گیری الگوهای روابط ژئوپلیتیک تأکید می‌کند؛ امروزه دست‌یابی به امتیازات جغرافیایی نهفته در برخی از مناطق جهان یکی از عوامل بنیادی و قوام‌بخش تداوم روابط ژئوپلیتیکی رقابت‌آمیز در سطح جهان است، که

بر مبنای دسترسی به آن‌ها حکومت‌ها قادر خواند بود پایه‌های قدرت خود را بهبود بخشند (موسوی و هم‌کاران، ۱۴۰۰: ۸۲۱). اشاره شد که هیدروهمژمونیک آب درواقع ارتباط بسیار تنگاتنگی با اهمیت آب به‌عنوان ابزار قدر است.

براساس رویکرد امنیتی به آب، برخی از محققان معتقدند که آب یک منبع قدرت است و کم‌بود آب یک معضل استراتژیک و حیاتی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی است، که ملت‌ها را تحت تأثیر قرار داده و در پی آن قدرت سیاسی آن‌ها را تهدید می‌کند (Piltan & Sedigh Bathaei Asl, 2017: 94). با ابتناء به اهمیت آب و این‌که منابع آبی از کجا سرچشمه می‌گیرند، افغانستان را می‌توان یکی از کشورهای دانست که دارای هیدروهمژمونیک است.

افغانستان در کل دارای پنج حوضه آبریز اصلی است، که چهار مورد آن به کشورهای هم‌سایه سرازیر می‌گردد. چنین موقعیت خاصی که برای افغانستان به‌وجود آمده، آن را نسبت به کشورهای دیگر از جای‌گاه ویژه‌یی برخوردار کرده است. اساساً هیدروپلیتیک در درون خود قدرتی را تبیین می‌کند، که ممکن است ناشی از عینیت باشد. گرچه افغانستان دارای قدرت اقتصادی و نظامی نیست، ولی قدرت مادی که در اصل برگرفته‌شده از موجودیت آن براساس منابع طبیعی است، می‌تواند آن را نسبت به سایر کشورهای منطقه با اهمیت‌تر جلوه دهد.



تصویر ۱: حوضه‌های آبریز چهارگانه افغانستان (Distance Learning Module 14, 2022)

از شش کشور هم‌سایه افغانستان، چهار کشور وابسته‌گی شدید به ذخایر آبی افغانستان دارند؛ به‌گونه‌یی که کشورهای فرودست آبی بخشی از توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی- امنیتی کشورهای پایین‌دست رودها تا حدی به سیستم رودخانه‌های افغانستان وابسته است؛ از این‌رو، افغانستان به‌عنوان

ہارتلند آبی منطقہ (Vareje Kazemi, 2022)، ممکن است با اجرای سیاست‌های ہیدروہژمونیک خود تبعاتی برای کشورہای پایین داشته باشد. چنین ہژمونی مستلزم موجودیت شرایط خاصی است، کہ می‌توان آن را بہ گونه زیر برشمرد:

۳-۱. استقلال سیاسی

ہیدروہژمونیک ارتباط بسیار نزدیکی با حاکمیت سیاسی دولت‌ها دارد. دولت‌هایی کہ دارای استقلال سیاسی هستند، می‌توانند نسبت بہ مدیریت و کنترل آب‌های مشترک، سازوبرگ‌های حل و فصل اختلافات و ترسیم خط‌مشی مشخص اختیار بیش‌تری داشته باشند. مضافاً این کہ ہیدروہژمون یکی از مباحث بسیار جدی در حوضہ ہیدروپلیتیک است، کہ از رہ‌گذر آن دولت می‌تواند راہبردهای کنترل منابع آب، مانند قطع جریان، یک‌پارچہ‌سازی اراضی و مہار بخش عمدہ آب را انجام دہد و وضعیت یادشدہ بہ معنای قدرت سیاسی نامتقارن در میان کشورہای یک حوضہ آبی مشترک است، کہ نقش بنیادی در مناسبات کشورہای حوضہ دارد (مختاری‌ہشی و کاویانی‌راد، ۱۳۹۸: ۲۰).

استقلال سیاسی درواقع باعث می‌گردد تا یک دولت بتواند نسبت بہ کنترل منابع آبی خود از استقلال عمل بیش‌تری براساس منافع ملی برخوردار گردد. گرچہ اختلافات بر سر کنترل، مہار و مدیریت آب بین دولت‌های افغانستان و ہم‌سایہ‌گان از دیرزمانی است، کہ جریان دارد؛ ولی بہ‌خاطر فقدان دولت‌های باثبات و متمرکز این موضوع نہ‌تنہا حل نگردیدہ، بل کہ ہم‌وارہ بہ‌عنوان یک چالش وجود داشته است. باید پذیرفت کہ ہایدروپلیتیک هنوز یک موضوع سیاست است (Bréthaut et al., 2022: 465). برہمین اساس ارتباط بسیار نزدیکی با تصمیم‌گیری‌های سیاسی دارد. با بہ قدرت رسیدن امارت اسلامی، درواقع افغانستان عملاً استقلال سیاسی خود را بہ‌دست آورد، کہ این موضوع می‌تواند اولین گام برای نحوہ مدیریت آب‌های افغانستان بہ‌صورت مستقلانہ باشد؛ زیرا با کسب استقلال، حکومت کنونی از صلاحیت‌های بیش‌تری در دیپلماسی آب برخوردار است.

کشمکش‌های داخلی در طی چند دہہ اخیر، ہم‌وارہ سبب گردیدہ کہ مدیریت و کنترل آن در محوریت مسائل ملی قرار نگیرد. بر ہمین اساس، زمانی یک واحد سیاسی می‌تواند از ہیدروہژمونیک خود در راستای تأمین منافع ملی خود بہرہ ببرد، کہ بتواند بدون مداخلہ دیگران در امر تصمیم‌گیری، آزاد باشد.

حکومت امارت اسلامی در سیاست‌های اعلامی و عملی خود نشان دادہ است، کہ در صدد کاهش وابستہ‌گی و افزایش تولیدات داخلی خود می‌باشد؛ و این امر مستلزم خودکفایی در عرصہ انرژی و تولیدات برق را ہم در بر می‌گیرد؛ درواقع بہ‌نظر می‌رسد در سیاست آبی طالبان، آب مسئلہ سیاسی و حیثیتی است؛ ولی چنین نگاہی ممکن است مسائل آب را بہ‌صورت پایدار حل و فصل نکند،

بل که حکومت کنونی می‌تواند با بهره‌گیری از مزایای دیپلماسی و تجربیات کشورهای هم‌سایه در عرصه انرژی مخصوصاً نفت و گاز، بخشی از اقتصاد خود را بازسازی نماید.

۳-۲. برخورداری از موقعیت دست‌بالایی

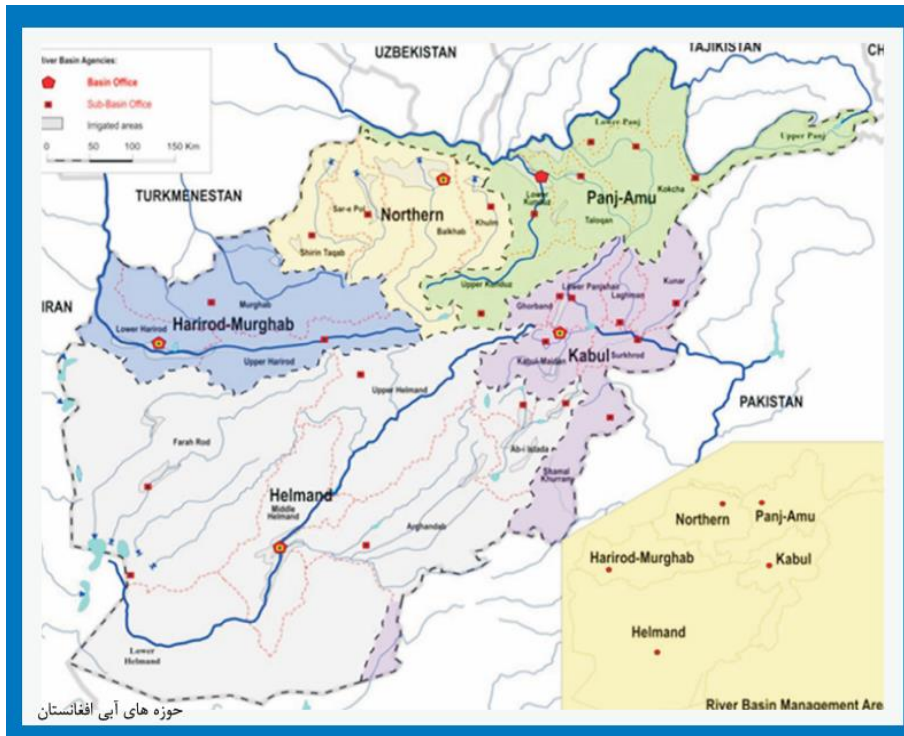
امروزه قدرت تنها داشتن سلاح پیش‌رفته و توان‌مندی اقتصادی محض نیست؛ بل که موقعیت جغرافیایی هم می‌تواند به‌عنوان عامل مهم در قدرت تعریف گردد. به‌خاطر موجودیت افغانستان به‌عنوان کشور دست‌بالایی این کشور را از قدرت جغرافیایی برخوردار کرده است (Loodin & Warner, 2022: 8). در حقیقت کشورهایی چون افغانستان که محاط به خشکی هستند، همواره به‌خاطر موقعیت جغرافیایی خود آسیب‌پذیر بوده‌اند. ۹۰ فیصد منابع آبی سطحی که در افغانستان در جریان است، فرامرزی است و این کشور فقط ۳۳٪ از آب‌های خود را استفاده می‌کند (Thomas & Warner, 2015: 597)؛ به‌عبارتی، بخش اعظم آب به کشورهای هم‌سایه سرازیر می‌گردد.

در شرایط نه‌چندان مناسب جهانی و منطقه‌یی، شاید از مزیت‌های افغانستان یکی هم این باشد که این کشور به دلیل دارا بودن نقاط مرتفع برف‌گیر، منشأ و سرچشمه آب شیرین بسیاری از رودها و آب‌های جاری است، که عمدتاً به جانب کشورهای هم‌سایه جاری می‌شوند (انصاری، ۱۳۹۶: ۳۲)، و این فرصت مناسبی است که افغانستان از آن برای هم‌گرایی منطقه‌یی در هیدروپلیتیک استفاده کند؛ به‌عبارتی، منافع خود را در زبان نوع‌دوستی بیان کند (بروان و آینلی، ۱۳۹۱: ۳۳)؛ زیرا این کشور به هم‌کاری‌های اقتصادی و فنی کشورهای هم‌سایه نیازمند است، تا از این طریق اقتصاد کشاورزی خود را توسعه دهد.

۳-۳. وابستگی کشورهای هم‌سایه افغانستان به آب‌های سرریز

براساس مکتب رئالیزم و هیدرورئالیزم، وابستگی درواقع در کنار این که چالش است، به‌عنوان تهدیدی هم برای دولت وابسته قلمداد می‌گردد؛ بر همین اساس، تهدید زیست‌محیطی امنیت ملی، همانند تهدیدات نظامی و اقتصادی به پای‌گاه مادی دولت آسیب می‌زند و شاید تا جایی پیش رود که ایده دولت و نهادهای آن را تهدید کند (رستمی و نادری، ۱۳۹۴: ۱۷۴). به‌طور نمونه، حوضه آب‌ریز رودخانه کابل با تأمین ۲۶ درصد از کل آب شیرین مورد استفاده افغانستان و حدود ۱۷ درصد آب شیرین مورد استفاده پاکستان، امنیت آبی نزدیک به ۷ میلیون نفر انسان را تأمین می‌کند؛ علاوه بر این، رودخانه کابل که یکی از سرشاخه‌های اصلی رودخانه سند به‌شمار می‌رود، حدود ۱۲ درصد از جریان سالانه این رودخانه بزرگ بین‌المللی را تأمین می‌کند (اندیک و میان‌آبادی، ۱۴۰۲: ۲۱۱)؛ و

نشان دهنده این است که انرژی و غذا به عنوان مؤلفه های کلیدی نیازمندی دولت ها محسوب می گردد.



تصویر ۲: آب های بیرون مرزی افغانستان و هم سایه گان (Ezamy, 2020: 23).

وابسته گی در هر سطحی یا در هر موضوعی که باشد، در حقیقت آسیب پذیری را به بار می آورد. میزان وابسته گی به جریان های سطحی ورودی از مرزها، یکی دیگر از شاخص های آسیب پذیری یک کشور در قبال کمبود آب محسوس می شود. اتکای کشورها به جریان های رودی از مرزها، آن ها را در برابر نیروهایی که خارج از کنترل شان قرار دارد، آسیب پذیر می سازد (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۲۵)؛ البته میزان وابسته گی باتوجه به قدرتی که یک دولت برخوردار است در نوسان است، ممکن است برخی از دولت ها با اتکا به منابع متعدد قدرتی که دارند از این آسیب پذیری بکاهند؛ ولی تهدیدات زیست محیطی، بیش از آن که مستلزم واگرایی باشد، هم گرایی را بیش تر عقلانی می کند.

کشورهای هم سایه افغانستان به منظور عادی سازی روند اجتماعی، اقتصادی و زیستی کنترل منابع آب از سوی افغانستان را تهدیدی می دانند؛ به طور نمونه پاکستان ساخت هرگونه سد بر سر شاخه های حوضه آبریزه کابل را معادل خطری برای امنیت ملی خود تعبیر می کند (اندیک و

میان‌آبادی، ۱۴۰۲: ۲۱۲). حکومت کنونی می‌تواند با روی‌کرد هم‌گرایی این وابسته‌گی را تبدیل به وابسته‌گی متقابل و حتا پیوسته‌گی متقابل سازد؛ تا از این مجرا منافع کشورهای منطقه به‌صورت عقلانی و پایدار تأمین گردد. تا سال ۱۴۰۰ حدود ۶۲ سد آبی بر روی حوضه‌های آبریز اصلی افغانستان اعمار گردیده است، که سیاست سدسازی ممکن است پاسخ معقولی برای حل تنش منطقه‌یی نباشد.

جدول ۳: سدهای موجود به تفکیک حوضه‌های آبریز در افغانستان

نام حوضه آبریز	تعداد سدهای موجود
حوضه کابل	۲۰
حوضه هیرمند	۱۹
حوضه آمودریا	۱۶
سایر حوضه‌ها	۷
مجموع	۶۲

(میان‌آبادی و قریشی، ۱۴۰۰: /<https://www.iess.ir/fa/analysis/2691/>)

کشورها با توجه به میزان منابعی که در اختیار خود دارند، دارای منافع ملی خاصی هستند، و رودهای مرزی نیز از این قاعده مستثنا نیستند؛ امروزه رودخانه‌های مرزی با توجه به کارکردها در زمینه‌هایی، مانند کشاورزی، سدسازی، انرژی و صنعت به‌عنوان بخشی از منافع ملی محسوب می‌شوند. افغانستان در منطقه آسیای مرکزی به مثابه یک کل، منطقه‌یی کم‌آب به‌شمار نمی‌رود. وجود یخچال‌های طبیعی و بارش برف و باران‌های فراوان در رشته‌کوه‌های پامیر، و تین شان واقع در قرقیزستان، تاجیکستان و شمال شرق قزاقستان و رشته‌کوه هندوکش در افغانستان، پاکستان و تاجیکستان، رودخانه‌ها و دریاچه‌های متعددی را پدیده آورده است، که منابع اصلی آب شیرین در آسیای مرکزی را تشکیل می‌دهد (خسروانی و توحید فام، ۱۳۹۹: ۲).

چنان‌که اشاره شد، چهار کشور هم‌سایه افغانستان به‌نحوی وابسته‌گی شدیدی به آب‌هایی دارند که از افغانستان منشأ می‌گیرد. براساس ره‌یافت هیدروئالیزم چنین وابسته‌گی برای کشورهای پیرامون افغانستان می‌تواند مصداقی از تهدید امنیتی در درازمدت باشد؛ ازسویی دیگر، در صورتی‌که افغانستان در صدد هم‌کاری باشد، باعث شکل‌گیری هیدرولیبرالیزم می‌شود و این مقوله بیش از این‌که به تقابل تمایل داشته باشد، می‌تواند مصداقی از هم‌کاری گردد؛ به تعبیری هیدروپلیتیک هم‌گرایانه (هیدرولیبرالیزم) به هم‌کاری و هیدروپلیتیک واگرایانه را وضعیت تنش‌زا دانسته‌اند (ذکی و هم‌کاران، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

۳-۴. حق حاکمیت آبی

دولت مردان براساس مفهوم منافع در چهارچوب قدرت تفکر و رفتار می کنند (مورگانتا، ۱۳۹۳: ۷)؛ ازجمله قدرت می توان به قواعد حقوقی به عنوان حق اشاره کرد. حکومت امارت اسلامی در منازعات آبی همواره تلاش کرده تا روی کرد حقوقی را به مثابه ابزار مشروعیت در سیاست آبی بهره گیرد و این قاعده را می توان در اصل حاکمیت سرزمینی مطلق مشاهده کرد.

به موجب اصل حاکمیت سرزمینی مطلق، دولت بالادست رودخانه می تواند ادعا نماید، که چون دولت، حاکمیت مطلق و همه جانبه بر قلمرو خویش دارد، لذا بر آن قسمت رودخانه، که در قلمرو وی می باشد نیز حاکمیت مطلق داشته باشد؛ در نتیجه هر گونه که بخواهد از آن بهره برداری می کند. در واقع حاکمیت سرزمینی مطلق، حاکمیت را برای دولت ها با تعریف حداکثری بیان می دارد (رشیدی نژاد و هم کاران، ۱۴۰۲: ۱۴)، که می توان این روی کرد را به مثابه هیدروهمزومنی ایدئولوژی دانست؛ به این معنا، که حاکمیت مجموعه اختیاراتی گفته می شود که دولت ها در قلمرو داخلی خود نسبت به اشخاص و اموال اعمال می کنند. صلاحیت سرزمینی که یکی از اصول سه گانه حاکمیت تلقی می گردد، صلاحیتی است که دولت نسبت به کلیه اشخاص و اموال و فعالیت های واقع در سرزمین مربوط اعمال می نماید. حکومت امارت اسلامی با بهره برداری از این مفهوم حاکمیت، در صدد است تا آب را بخشی از حاکمیت خود تمثیل کند و از منابع آبی به هر صورتی که ضروری بداند برای توسعه اقتصادی خود استفاده کند.

۴. بسترهای هم گرایی منطقه ای حوضه های آبی افغانستان

در عصر جهانی شدن و با وسعت و درهم تنیده گی منافع کشورها، این موضوع را پدیدار می سازد، که برای حل و فصل اختلافاتی که ناشی از بحران های طبیعی و زیستی هستند، هم کاری در قدم نخست کمترین هزینه را برای دولت ها می تواند داشته باشد؛ هم چنین امروزه تعاملات و ارزش های مشترک اعضای جامعه بین الملل بر اهداف و رویه های سایر اعضا تأثیرگذار است (انصاری کارگر، ۱۴۰۲: ۱۶۵)؛ بر همین اساس، افغانستان و کشورهای هم سایه می توانند با ایجاد فرصت های مشترک زمینه هم گرایی و تعامل را بیش تر فراهم سازند.

۴-۱. امنیت نساختن آب

وقتی بازیگر امنیتی ساز از عبارت تهدیدات وجودی استفاده می کند، و متعاقباً موضوعی را از شرایط سیاست عادی خارج می سازد، با وضعیت امنیتی شدن مواجه هستیم (عبداله خانی، ۱۳۹۲: ۳۰۵)؛ چنین نگاهی امنیت ساز به آب، درواقع باب گفت و گو را برای بازیگران می بندد و زمینه رسیدن به راه

حل معقول را دشوار می‌سازد؛ زیرا با امنیتی‌سازی آب، دولت‌ها بیش از این که در صدد بُرد - بُرد باشند، بیش تر در صدد افزایش منافع خود هستند. افغانستان هم به‌عنوان یک واحد سیاسی، به تناسب سایر هم‌سایه‌گان دارای شهروندانی هستند که در جست‌وجوی تأمین و محافظت از منابع و منافع خود هستند و براساس این که دولت‌ها بازیگران عقلانی، یعنی منافع‌محور است، می‌توان به این امر واقف شد که امنیتی‌کردن آب، نگرانی‌هایی را برای بازیگران به‌وجود می‌آورد.

باتوجه به انواع رودهای مرزی، پذیرش اصل بهره‌برداری منصفانه (اصل استفاده مشترک از آب‌ها)، بر این ادعا استوار که استفاده از آب‌های مشترک باید براساس گفت‌وگو و سازش صورت گیرد و کشورهایی که در این موضوع دخیل هستند، برای مدیریت آن به‌صورت مشترک برای استفاده منصفانه به توافق دست یابند، تا کشورهایی که از این آب استفاده می‌کنند وارد کشمکش و منازعه نگردند. طرح توافق بر سر استفاده از آب و مدیریت آب دریا به‌ویژه به این دلیل اهمیت به‌سزایی دارد، که ما امروز با چالش‌های ناشی از تغییرات اقلیمی و رشد بی‌سابقه نفوس روبه‌رو هستیم. در این راستا، ره‌یافت «اشتراکی» به‌ترین فرصت را برای بهره‌برداری مفید از منابع آبی ارائه می‌دهد. افغانستان باتوجه به موقعیت جغرافیایی و آسیب‌پذیری محیطی و سیاسی، اگر به آب نگاه امنیتی داشته باشد، ممکن است با چالش‌های بیش‌تری مواجه گردد؛ بر همین اساس، دیپلماسی آبی که در آن منافع کشورهای هم‌سایه هم در نظر گرفته شود، راه‌کار مناسبی را برای گفت‌مان منطقه‌یی باتوجه به خواسته‌های هم‌سایه‌گان است.

۴-۲. تغییر سبک کشاورزی

افغانستان و کشورهای هم‌سایه بیش از آن که صنعتی باشند، بیش‌تر کشاورزی هستند؛ بر همین اساس سیستم آبیاری سنتی یکی از دلایل مهم در زمینه کم‌بود آب کشورهای پیرامون افغانستان است (ذکی و هم‌کاران، ۱۴۰۱: ۱۲۵). این موضوع برای افغانستان بیش‌تر صدق می‌کند؛ زیرا این کشور اصولاً از لحاظ اقتصادی وابسته به کشاورزی است؛ ولی از آن‌جایی که کشاورزی هنوز به سبک سنتی و قدیمی انجام می‌شود، باعث گردیده که بخش بزرگی از آب‌های جاری مورد استفاده به‌صورت بهینه و سودمند استفاده نشود؛ بر همین اساس تغییر سبک کشاورزی با استفاده از روش‌های مدرن بایسته است.

از آن‌جایی که افغانستان در نتیجه تغییرات اقلیمی نسبت به سایر کشورها از آسیب‌پذیری بیش‌تری برخوردار است، به‌گونه‌یی است که آبیاری پایدار (Shokory et al., 2023: 507)، متأثر از چنین تغییراتی شده است، راه‌کارهای بدیلی برای زارعت سنتی می‌تواند بر هم‌کاری آبی تأثیر مثبتی برای افغانستان و هم‌سایه‌گانش داشته باشد و چنین هم‌کاری در اصل زمینه هم‌گرایی را فراهم می‌سازد.

۴-۳. سیاست‌زدایی مسائل آبی

براساس رویکرد هیدرولیرالیزم، رژیم‌های آبی، میکانیزم‌های آبی مناقشات هیدروپلیتیکی را به هم‌کاری تبدیل می‌کند و این امر زمانی تحقق‌پذیر است، که آب از آجندای سیاسی حذف و تبدیل به موضوع تخنیک و فنی گردد. گرچه هیدروپلیتیک را نمی‌توان از موضوع سیاست جدا کرد، ولی در صورتی که از آب به‌عنوان اهرم فشار بر علیه سایر هم‌سایه‌گان و بازیگران استفاده گردد، در آن صورت بیش از این که به خود آب پرداخته شود، به نحوه ابزاری کردن آب توجه می‌شود. به‌منظور تحقق هم‌گرایی آبی، به‌تر است افغانستان از دیپلماسی آبی به‌عنوان شیوه گفت‌وگو استفاده نماید؛ زیرا دیپلماسی آب، توانایی کشورهای ذی‌نفع در مدیریت آب‌های مشترک است تا وضعیت پایداری سیاسی حاصل شود (دهشیری و حکمت‌آرا، ۱۳۹۷: ۶۰۰). به این معنا که منابع آب مرزی و بین‌المللی بدون کم‌ترین تنش بین طرفین حق آبه، به شکل پایدار مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

۴-۴. استفاده از بندرهای تجارتی برای افغانستان

براساس دریافت لیبرالیزم و اندیشه‌مندانی چون کانت، بر آن باوراند که پیوندهای اقتصادی میان کشورها باعث هم‌گرایی فزاینده می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۹۳: ۳۸). افغانستان یکی از کشورهای محاط به خشکی در سطح منطقه است؛ بر همین اساس هم‌واره به‌خاطر برخورداری از چنین موقعیتی آسیب‌پذیر بوده است؛ درعین‌حال، این کشور می‌تواند با بهره‌مندی از فرصت‌های بدیل از این تنگنای جغرافیایی رهایی یابد. به‌طور نمونه، بندر چابهار باتوجه به موقعیت راه‌بری در جهان و نزدیکی به افغانستان، به‌ترین مکان برای فعالیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری تاجران افغان است (اسلامی و هم‌کاران، ۱۳۹۸: ۹۷)؛ زیرا انتقال اموال تجاری با استفاده از راه آبی و دریایی جبر جغرافیایی افغانستان را پایان بخشیده و هم‌زمان هزینه انتقال اموال را کاهش دهد و زمینه سرمایه‌گذاری در این کشور را نیز فراهم آورد.

به‌عبارتی، بندر چابهار به‌عنوان یک منطقه آزاد تجارتی برای افغانستان سودمند است؛ دسترسی به این بندر باعث می‌گردد که افغانستان به بازارهای جهانی دسترسی پیدا کند (Momeni & Tonzai, 2020: 548). برای دسترسی به چنین بندرهایی بایسته است تا زمینه هم‌گرایی بین کشورهای منطقه ایجاد شود و افغانستان به جای استفاده ابزاری از آب، آن را به‌عنوان یکی از گزینه‌های دیپلماسی آبی در قبال هم‌سایه‌گان مورد استفاده قرار دهد.

جدول ۴: عوامل هیدروهمومونیک افغانستان و بسترهای هم‌گرایی منطقه‌یی در مسائل هیدروپلیتیک

عوامل هیدروهمومونیک افغانستان	۱. استقلال سیاسی حکومت امارت اسلامی؛ ۲. برخورداری از موقعیت دست‌بالایی؛ ۳. وابسته‌گی کشورهای هم‌سایه به آب‌های افغانستان؛ ۴. حق حاکمیت آبی.
بسترهای هم‌گرایی منطقه‌یی آبی در حکومت امارت اسلامی	۱. امنیتی‌نساختن آب (امنیت‌زدایی آب) با توجه به تأکید بر حل‌وفصل دیپلماتیک مسائل آبی؛ ۲. تغییر سبک کشاورزی افغانستان با اتکا به تجربه کشورهای هم‌سایه؛ ۳. سیاست‌زدایی، مسائل آبی و نگاه تخنیکی – فنی به مسائل آبی؛ ۴. استفاده از بندرهای تجارتی برای افغانستان به‌عنوان بدیلی برای رهایی از محاط به خشکه و دسترسی به آب‌های بین‌المللی.

۵. مناقشه

پژوهش حاضر با تمرکز بر سیاست‌های آبی حکومت امارت اسلامی افغانستان در دوره پس از ۲۰۲۱، به تحلیل تأثیر این تحولات بر هم‌گرایی منابع آبی فرامرزی پرداخته است. یافته‌های تحقیق از یک‌سو با بخش‌هایی از ادبیات موجود هم‌سویی داشته و ازسوی دیگر، با ارائه چهارچوب مفهومی نوین، در تعارضی سازنده با برخی رویکردهای پیشین قرار می‌گیرد.

مطالعه توماس و وارنر (۲۰۱۵) بر این باور است که افغانستان با وجود جای‌گاه جغرافیایی بالادست، به دلیل نبود نهادهای کارآمد و ساختار سیاسی پایداری، در تحقق همومونی آبی ناکام بوده است. یافته‌های این پژوهش، ضمن پذیرش این پیش‌فرض در سطح تاریخی، نشان می‌دهد که تحولات سیاسی پس از سال ۲۰۲۱ _ شامل استقلال سیاسی نسبی، تمرکز حاکمیت و توسعه زیرساخت‌های آبی _ زمینه‌ساز تقویت موقعیت هیدروهمومونیک افغانستان شده و این کشور را به کنش‌گری مؤثر در نظم آبی منطقه بدل ساخته است؛ از سوی دیگر، گرگیج و خزایی (۱۳۹۸) با تکیه بر نظریه امنیت‌سازی مکتب کپنهاگ، بر ضرورت سیاست‌زدایی از منابع آبی تأکید کرده‌اند. یافته‌های این مقاله نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند، با این تفاوت که ضمن افزودن عناصر جدیدی چون دیپلماسی بندری، اصلاح الگوی کشاورزی و بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی، رویکردی چندبُعدی به هم‌گرایی آبی پیش‌نهاد می‌کند.

در تقابل با تحلیل ذکی و هم‌کاران (۱۴۰۱) که رویکرد هیدرورنالیزم را در مواجهه افغانستان با منابع آبی پیش‌نهاد کرده‌اند، پژوهش حاضر با نگاهی آینده‌نگر، ظرفیت چرخش از رئالیزم به هیدرولیب‌رالیزم را در پرتو اصلاحات سیاستی و همکاری‌های چندجانبه، به‌صورت نظری و عملی تبیین کرده است.

جدول (۵): یافته‌های پژوهش

پژوهش پیشین	دیدگاه اصلی	نسبت با این تحقیق	سهم پژوهش حاضر
توماس و وارنر (۲۰۱۵)	افغانستان فاقد هژمونی کامل است	هم‌راستا از نظر ساختاری، ولی فراتر در بُعد کنش‌گری جدید	ارتقای نقش افغانستان به کنش‌گر فعال هیدروپلیتیکی
گرگیچ و خزایی (۱۳۹۸)	امنیتی‌سازی تهدید هم‌گرایی است	تأیید دیدگاه، با افزودن ابزارهای اقتصادی و منطقه‌یی	ارائه مدل ترکیبی سیاست‌زدایی + دیپلماسی بندری
ذکی و هم‌کاران (۱۴۰۱)	افغانستان متمایل به واگرایی است	در تعارض تحلیلی	پیش‌نهاد چرخش به هیدرولیبرالیزم از طریق اصلاحات ساختاری نسبت به موضوع آب بین بازیگران دخیل منطقه‌یی
اندیک و میان‌آبادی (۱۴۰۲)	تمرکز صرف بر منازعه کابل-پاکستان	گسترده‌تر از نظر جغرافیا و موضوع	ارائه چهارچوب کل‌نگر و مفهوم «هیدروهمونی»

در نهایت، نوآوری نظری این پژوهش در تلفیق دو سنت فکری – هیدروهمونی (زیتون و وارنر) و کارکردگرایی (میترا نی و دویچ) نهفته است. این ترکیب امکان تحلیل توأمان قدرت، نفع و هم‌کاری را فراهم ساخته است؛ براین اساس، پژوهش حاضر، ضمن بازخوانی ادبیات پیشین، روی‌کردی تحلیلی و راه‌بردی در جهت بازتعریف نقش افغانستان در نظم آبی کشورهای هم‌جوار به‌شمار می‌آید.

۶. نتیجه‌گیری

افغانستان تحت حاکمیت امارت اسلامی، با بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی و منابع آبی خود، به یکی از بازیگران مهم در سیاست‌گذاری آبی منطقه‌یی بدل شده است. وابسته‌گی کشورهای هم‌سایه به منابع آبی افغانستان و حق حاکمیت این کشور، امکان تنظیم روابط آبی براساس منافع ملی را فراهم ساخته است؛ موضوعی که با نظریه‌های مرتبط با نقش آب در ژئوپلیتیک منطقه هم‌راستا است. باین حال، این موقعیت هیدروهمونیک، ضمن ایجاد چالش‌هایی در سطح داخلی و منطقه‌یی، فرصت‌هایی را نیز برای هم‌گرایی آبی فراهم می‌کند. تأکید بر راه‌حل‌های دیپلماتیک، امنیتی‌نساختن آب و اصلاح الگوی کشاورزی می‌تواند زمینه هم‌کاری پایدار را تقویت کرده و فشار بر منابع آبی را کاهش دهد.

در عین حال، سیاست‌زدایی از مسائل آبی و تمرکز بر روی‌کردهای فنی – علمی، راهی برای کاهش تنش‌های احتمالی در تعاملات منطقه‌یی است؛ همچنین، گسترش دسترسی تجاری از طریق بندرها می‌تواند از وابسته‌گی صرف به منابع داخلی بکاهد و زمینه‌ساز تعاملات اقتصادی گسترده‌تری شود.

باوجود این فرصت‌ها، چالش‌هایی مانند کم‌بود زیرساخت، موانع حقوقی و رقابت‌های منطقه‌یی بر سر آب، نیازمند سیاست‌گذاری هوش‌مندانه، تقویت ظرفیت‌های مدیریتی و هم‌کاری حقوقی و دیپلماتیک با کشورهای هم‌سایه است.

ORCID

Alireza Ansary Kargar  <https://orcid.org/0009-0006-8312-5010>

Basir Ahmad Hasin  <https://orcid.org/0009-0002-5389-8363>

Atiqullah Rahimi  <https://orcid.org/0009-0000-8302-1429>

ارجاع به این مقاله (APA):

. کارگر انصاری، علیرضا؛ حصین، بصیراحمد؛ رحیمی، عتیق‌الله. (۱۴۰۴). «تأثیر هیدروپلیتیک منطقه‌یی حکومت امارت اسلامی افغانستان بر هم‌گرایی منابع آبی فرامرزی». فصل‌نامه علمی - پژوهشی غالب. ۱۴(۲): ۴۷-۷۱. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.13>

To Cite this Article (APA):

. Ansary Kargar, Alireza; Hasin, Basir Ahmad; Rahimi, Atiqullah. (2025). "Assessing the Regional Hydropolitical Influence of the Islamic Emirate of Afghanistan on Transboundary Water Resource Integration". *Ghalib Journal*. 14(2). 47-71. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.2.13>

سرچشمه‌ها

۱. اخباری، ابوالفضل؛ اسماعیل پورروشن، علی اصغر؛ رنجبر، محسن و بتول باهک. (۱۳۹۹). «تحلیل هیدروپلیتیکی ساختار نوین روابط بین‌الملل (مطالعه موردی: ایران و افغانستان)». فصل‌نامه علمی - پژوهشی جغرافیای (برنامه‌ریزی منطقه‌های). ۱۰(۲): ۴۱-۱۵. http://www.jgeoqeshm.ir/article_109356_en.html
۲. اندیک، بهنام؛ میان‌آبادی، حجت. (۱۴۰۲). «هیدروپلیتیک رودخانه کابل: نقش آب در تعاملات افغانستان و پاکستان». مدیریت آب و آبیاری، ۱۱۳(۱): ۲۰۹-۲۳۷. https://jwim.ut.ac.ir/article_91948_64f018e8ef05c5617c8860f13b539ca1.pdf
۳. انصاری، فاروق. (۱۳۹۶). «هیدروپلیتیک و تأثیر آن بر روابط افغانستان و پاکستان». اندیشه‌های معاصر. ۳(۹): ۲۵-۳۶. <https://andisha.org/uploads/journals/Andishe-moaser/and-moaser09/far-ansari-25.pdf>
۴. انصاری کارگر، علیرضا. (۱۴۰۲). «تبیین مرجع‌انگاری جامعه بین‌الملل و جامعه جهانی بر کنش‌گران معترض در نظام بین‌الملل». فصل‌نامه علمی - پژوهشی غالب، ۱۲(۳): ۱۶۵-۱۸۱. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.12.I.3.11>
۵. براون، کریس؛ آینلی، کریستن. (۱۳۹۱). فهم روابط بین‌الملل. ترجمه محمد جواد رنجکش و فاطمه صلواتی طرقي. تهران: نشر مرندیز.

۶. دهشیری، محمدرضا؛ حکمت‌آرا، حامد. (۱۳۹۷). «دیپلماسی آب ایران در قبال همسایگان». فصل‌نامه سیاست‌های راه‌بردی و کلان. ۵۹۶. (۴) ۶۱۶ - https://www.jmsp.ir/article_62700_07d59babb73bb51c09bf07784b132eca.pdf?lang=en
۷. رستمی، فرزاد؛ نادری، مسعود. (۱۳۹۴). «بحران کم‌آبی و گسست در امنیت ملی». فصل‌نامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل. ۱۵۱. (۱۵) ۱۹۱ - ۱۶۱. https://www.iisajournals.ir/article_41980_947172d1ad85611f518cdc1a3f783610.pdf?lang=en
۸. رشیدی‌نژاد، احمد؛ کاویانی‌راد، مراد؛ دستنای، افشین متقی. (۱۴۰۲). «نسبت تطابق رویکردهای هیدروپلیتیک و اصول حاکم بر رودهای بین‌المللی». مجله پژوهشی جغرافیای انسانی. ۱۸. (۱). پیاپی ۲۹. ۴۰ - ۱۵. <https://doi.org/10.22067/pg.2022.72088.1084>
۹. ذکی، یاشار؛ بدیعی ازندهای؛ گلزاری، امید اسلام جمال. (۱۴۰۱). «الگویابی بنیان‌های هیدروپلیتیک همگرایی و واگرایی بین ایران، افغانستان و ترکمنستان در حوضه‌های آبریز مرزهای شرقی». فصل‌نامه روابط خارجی. ۱۴. (۵۴) ۹۸ - ۱۳۵.
۱۰. ذکی، یاشار؛ دلشازاد، جلیل؛ کریمی، بایرام. (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل هیدروپلیتیک رودخانه‌های بین‌المللی با تأکید بر رودخانه مرزی ارس». فصل‌نامه جغرافیای نظامی و امنیتی. ۱۱. (۱). ۳۷ - ۶۵. https://smg.ihu.ac.ir/article_201103_4c5c799cf2df1900fd85254bdcf1b9a3.pdf
۱۱. سینایی، وحید؛ جمالی، جواد. (۱۳۹۷). «دیپلماسی اقتصادی ج.ا.ایران در افغانستان و مدیریت اختلافات آبی دو کشور (با کاربست رویکرد اقتصاد نهادگرا)». فصل‌نامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی. ۸. (۲۸) ۶۹ - ۹۳. https://sspp.iranjournals.ir/article_33907_cae8269dce9df8509664e079164d3647.pdf?lang=en
۱۲. صادقی، شمس‌الدین. (۱۳۹۵). «هیدروپلیتیک و امنیت ملی (مطالعه موردی: کشورهای منطقه خلیج فارس)». فصل‌نامه راهبرد. ۲۵. (۸۱) ۱۱۷ - ۱۴۴. https://rahbord.csr.ir/article_124610_en.html
۱۳. قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۰). نظریه روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای. تهران، نشر میزان.
۱۴. قریشی، سیده زهرا؛ میان‌آبادی، حجت؛ شفا، مسعود موسوی. (۱۳۹۸). «نقش قدرت در دیپلماسی آب». تحقیقات منابع آب ایران. ۱۵. (۲) ۲۶۴ - ۲۴۲. https://www.iwrr.ir/article_85778_1767683237d76e35bf39d60694ae7104.pdf?lang=en
۱۵. قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۰). روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها. چ پنجم. تهران: سمت.
۱۶. مختاری‌هشی، حسین؛ کاویانی‌راد، مراد. (۱۳۹۸). «پردازش مفهوم هیدروپلیتیک». نشریه آب و توسعه پایدار. ۶. (۲) ۱۵ - ۲۶.
۱۷. مورگان‌تا، هانس جی. (۱۳۹۳). سیاست میان‌ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح. ترجمه حمیرا مشیرزاده. چ سوم. تهران: نشر وزارت امور خارجه.
۱۸. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۳). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. چ نهم. تهران: سمت.

۱۹. میان‌آبادی، حجت؛ قریشی، سیده زهرا. (۱۴۰۰). «بازتعریف مؤلفه‌های امنیت آبی». تحقیقات منابع آب/ایران. ۱۷(۱). ۲۶۱-
https://www.iwrr.ir/article_130994_3139b26b8a771f43e4ad988777a0a0f6.pdf?lang=en ۲۳۹
۲۰. موسوی، سید مهدی؛ زارعی، بهادر؛ پیشگاهی‌فرد، زهرا و دیگران. (۱۴۰۰). «تبیین نظری بسترها و زمینه‌های روابط ژئوپلیتیک و ارائه مدل پیش‌نهادی». پژوهش‌های جغرافیایی انسانی. ۵۳(۳). ۸۳۲-۸۱۱.
۲۱. واعظی، محمود. (۱۳۹۰). بحران‌های بین‌المللی، تحلیل نظری و مطالعه موردی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزات امور خارجه.
۲۲. حکمت‌آرا، حامد؛ ذکی، یاشار؛ پیشگاهی‌فرد، زهرا و بهادر زارعی. (۱۴۰۳). «نواندیشی در چارچوب مفهومی هیدروهمژمونی (آب چیرگی)، با تأکید بر حوض آبریز فرامرزی ارس». تحقیقات منابع آب/ایران. ۲۰(۱). ۱۴۶-۱۲۶.
۲۳. خسروانی، انیس؛ توحیدفام، محمد. (۱۳۹۹). «سیاست منابع آب ترکمنستان در فضای هیدروپلیتیک آسیای مرکزی». فصل‌نامه آسیای مرکزی و قفقاز. ۱۰۹. ۱-
http://ca.ipisjournals.ir/article_45665_en.html ۳۱
۲۴. گرگیچ، فرهاد؛ خزایی، ضیاء. (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر هیدروپلیتیک هیرمند بر امنیت جمهوری اسلامی ایران». فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی. ۱۴(۴۷). ۴۹-
<http://sanad.iau.ir/en/Journal/psq/Article/1102062> ۷۰
۲۵. فرجی، محمدرضا. (۱۴۰۰). «قدرت‌های نو ظهور و نظم همژمونیک». فصل‌نامه مطالعات راهبردی. ۲۴(۲). ۱۸۳-۲۰۹
https://quarterly.risstudies.org/article_139331_600664cc2cad421b34316fcd3d0a2b07.pdf?lang=en
26. Bréthaut, Christophe; Ezbakhe, Fayçal; McCracken, Michael; Wolf, Aaron T.; Dalton, Jennifer. (2022). Exploring discursive hydropolitics: A conceptual framework and research agenda. *International Journal of Water Resources Development*, 38(3), 464-479.
<https://doi.org/10.1080/07900627.2021.1944845>
27. Braden, Kathleen E.; Shelley, Fred M. (2005). *Comprehensive Geopolitics* (A. R. Farshchi & H. R. Rahnama, Trans.). Islamic Revolutionary Guard Corps.
28. Distance Learning Module 14. (2022, September 22). *International Programs*. University of Nebraska Omaha. Retrieved from <https://www.unomaha.edu/international-studies-and-programs/center-for-afghanistan-studies/academics/transboundary-water-research/DLM14/DLM14.php>
29. Ezamy, Sayed Omran. (2020). *Hydropolitics of Afghanistan*. The Directorate of Public Information and Communications of the Afghanistan Academy of Sciences.
30. Loodin, Nemat; Warner, Jeroen. (2022). A Review of Hydro-Hegemonic Dynamics on the Transboundary Harirud River Basin: 2001-Present. *Water*, 14(21), Article 21.
<https://doi.org/10.3390/w14213442>
31. Momeni, Mohammad; Tonzai, Mohammad Taher. (2020). Economic Diplomacy in Afghanistan: A Post-Taliban Analysis. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 11(32), 541-565.

32. Piltan, Farhad; Sedigh Bathaei Asl, Mohammad. (2017). Principles and Mechanisms of Environmental Cooperation between Iran and Its Neighbors in the Areas of Common Rivers Waters. *Socio-Cultural Strategy*, 5(4), 91–122.
33. Shokory, Jawad Ahmad Nuristani; Schaeffli, Bettina; Lane, Stuart N. (2023). Water resources of Afghanistan and related hazards under rapid climate warming: A review. *Hydrological Sciences Journal*, 68(3), 507–525. <https://doi.org/10.1080/02626667.2022.2159411>
34. Thomas, Vincent; Warner, Jeroen. (2015). Hydropolitics in the Harirod/Tejen River Basin: Afghanistan as hydro-hegemon? *Water International*, 40(4), 593–613. <https://doi.org/10.1080/02508060.2015.1059164>
35. Vareje Kazemi, Mohammad. (2022, May 19). Analysis of Afghanistan's Hydrohegemony. *Institute for East Strategic Studies*. Retrieved from <https://www.iess.ir/fa/analysis/3079/>
36. Zeitoun, Mark; Warner, Jeroen. (2006). Hydro-hegemony – a framework for analysis of trans-boundary water conflicts. *Water Policy*, 8(5), 435–460. <https://doi.org/10.2166/wp.2006.054>

References

1. Akhbari, Abolfazl; Esmaeil Pourroshan, Ali Asghar; Ranjbar, Mohsen; and Batoul Bahak. (2020). "Hydropolitical Analysis of the New Structure of International Relations (Case Study: Iran and Afghanistan)." *Scientific-Research Quarterly of Geography (Regional Planning)*, 10(2), 15–41. http://www.jgeoqeshm.ir/article_109356_en.html [In Persian]
2. Andik, Behnam; Mianabadi, Hojjat. (2023). "Hydropolitics of the Kabul River: The Role of Water in Afghanistan-Pakistan Relations." *Water and Irrigation Management*, 13(1), 209–237. https://jwim.ut.ac.ir/article_91948_64f018e8ef05c5617c8860f13b539ca1.pdf [In Persian]
3. Ansari, Farough. (2017). "Hydropolitics and Its Impact on Afghanistan-Pakistan Relations." *Contemporary Thought*, 3(9), 25–36. <https://andisha.org/uploads/journals/Andishe-moaser/and-moaser09/far-ansari-25.pdf> [In Persian]
4. Ansari Kargar, Alireza. (2023). "Explaining the Referencing of International and Global Society over Protest Actors in the International System." *Ghalib Scientific-Research Quarterly*, 12(3), 165–181. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.12.1.3.11> [In Persian]
5. Brown, Chris; Ainley, Kristen. (2012). *Understanding International Relations*. Translated by Mohammad Javad Ranjkesh and Fatemeh Salavati Tareqi. Tehran: Marendiz Publishing. [In Persian]
6. Dehshiri, Mohammadreza; Hekmat Ara, Hamed. (2018). "Iran's Water Diplomacy towards Neighbors." *Strategic and Macro Policies Quarterly*, 6(4), 596–616. https://www.jmsp.ir/article_62700_07d59babb73bb51c09bf07784b132eca.pdf?lang=en [In Persian]
7. Rostami, Farzad; Naderi, Masoud. (2015). "Water Scarcity Crisis and Disruption in National Security." *International Relations Research Quarterly*, 1(15), 161–191. https://www.iisajournals.ir/article_41980_947172d1ad85611f518cdc1a37f83610.pdf?lang=en [In Persian]
8. Rashidinejad, Ahmad; Kaviani Rad, Morad; Dastnaei, Afshin Motaghi. (2023). "Compatibility of Hydropolitical Approaches and Principles Governing International

- Rivers." *Human Geography Research Journal*, 8(1), Issue 29, 15–40. <https://doi.org/10.22067/pg.2022.72088.1084> [In Persian]
9. Zaki, Yashar; Badiyi Azandahi; Golzari, Omid Eslam Jamal. (2022). "Modeling the Foundations of Convergent and Divergent Hydropolitics among Iran, Afghanistan, and Turkmenistan in the Eastern Border Basins." *Foreign Relations Quarterly*, 14(54), 98–135. [In Persian]
10. Zaki, Yashar; Delshazad, Jalil; Karimi, Bayram. (2015). "Review and Analysis of the Hydropolitics of International Rivers with Emphasis on the Aras Border River." *Military and Security Geography Quarterly*, 1(1), 37–65. https://smg.ihu.ac.ir/article_201103_4c5c799cf2df1900fd85254bdcf1b9a3.pdf [In Persian]
11. Sinaei, Vahid; Jamali, Javad. (2018). "The Economic Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in Afghanistan and Managing Water Disputes between the Two Countries (Applying the Institutional Economics Approach)." *Strategic Studies of Public Policy Quarterly*, 8(28), 69–93. https://sspp.iranjournals.ir/article_33907_cae8269dce9df8509664e079164d3647.pdf?lang=en [In Persian]
12. Sadeghi, Shamseddin. (2016). "Hydropolitics and National Security (Case Study: Persian Gulf Countries)." *Strategic Studies Quarterly*, 25(81), 117–144. https://rahbord.csr.ir/article_124610_en.html [In Persian]
13. Ghasemi, Farhad. (2011). *Theory of International Relations and Regional Studies*. Tehran: Mizan Publishing. [In Persian]
14. Ghoreishi, Seyedeh Zahra; Mianabadi, Hojjat; Shafaei, Masoud Mousavi. (2019). "The Role of Power in Water Diplomacy." *Iranian Water Resources Research*, 15(2), 242–264. https://www.iwrr.ir/article_85778_1767683237d76e35bf39d60694ae7104.pdf?lang=en [In Persian]
15. Ghavam, Abdolali. (2011). *International Relations: Theories and Approaches* (5th ed.). Tehran: SAMT Publishing. [In Persian]
16. Mokhtari Heshi, Hossein; Kaviani Rad, Morad. (2019). "Processing the Concept of Hydropolitics." *Water and Sustainable Development Journal*, 6(2), 15–26. [In Persian]
17. Morgenthau, Hans J. (2014). *Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace*. Translated by Homeira Moshirzadeh. 3rd ed. Tehran: Publishing Department of Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]
18. Moshirzadeh, Homeira. (2014). *Transformation in International Relations Theories* (9th ed.). Tehran: SAMT Publishing. [In Persian]
19. Mianabadi, Hojjat; Ghoreishi, Seyedeh Zahra. (2021). "Redefining the Components of Water Security." *Iranian Water Resources Research*, 17(1), 239–261. https://www.iwrr.ir/article_130994_3139b26b8a771f43e4ad988777a0a0f6.pdf?lang=en [In Persian]
20. Mousavi, Seyed Mehdi; Zarei, Bahador; Pishgahifard, Zahra, et al. (2021). "Theoretical Explanation of the Contexts and Grounds of Geopolitical Relations and Presentation of a Proposed Model." *Human Geography Research*, 53(3), 811–832. [In Persian]

21. Vaezi, Mahmoud. (2011). *International Crises: Theoretical Analysis and Case Study*. Tehran: Printing and Publishing Center of Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]
22. Hekmat Ara, Hamed; Zaki, Yashar; Pishgahifard, Zahra; Zarei, Bahador. (2024). "New Perspectives in the Conceptual Framework of Hydro-Hegemony, with Emphasis on the Transboundary Aras Basin." *Iranian Water Resources Research*, 20(1), 126–146. [In Persian]
23. Khosravani, Anis; Tohidfam, Mohammad. (2020). "Turkmenistan's Water Resources Policy in the Hydropolitical Space of Central Asia." *Central Asia and Caucasus Quarterly*, 109, 1–31. http://ca.ipisjournals.ir/article_45665_en.html [In Persian]
24. Gorgij, Farhad; Khazaei, Zia. (2019). "Examining the Impact of Hirmand's Hydropolitics on the Security of the Islamic Republic of Iran." *Specialized Quarterly of Political Science*, 14(47), 49–70. <http://sanad.iau.ir/en/Journal/psq/Article/1102062> [In Persian]
25. Faraji, Mohammadreza. (2021). "Emerging Powers and the Hegemonic Order." *Strategic Studies Quarterly*, 24(2), 183–209. https://quarterly.risistudies.org/article_139331_600664cc2cad421b34316fcd3d0a2b07.pdf?lang=en [In Persian]
26. Bréthaut, Christophe; Ezbakhe, Fayçal; McCracken, Michael; Wolf, Aaron T.; Dalton, Jennifer. (2022). Exploring discursive hydropolitics: A conceptual framework and research agenda. *International Journal of Water Resources Development*, 38(3), 464–479. <https://doi.org/10.1080/07900627.2021.1944845>
27. Braden, Kathleen E.; Shelley, Fred M. (2005). *Comprehensive Geopolitics* (A. R. Farshchi & H. R. Rahnama, Trans.). Islamic Revolutionary Guard Corps.
28. Distance Learning Module 14. (2022, September 22). *International Programs*. University of Nebraska Omaha. Retrieved from <https://www.unomaha.edu/international-studies-and-programs/center-for-afghanistan-studies/academics/transboundary-water-research/DLM14/DLM14.php>
29. Ezamy, Sayed Omeran. (2020). *Hydropolitics of Afghanistan*. The Directorate of Public Information and Communications of the Afghanistan Academy of Sciences.
30. Loodin, Nemat; Warner, Jeroen. (2022). A Review of Hydro-Hegemonic Dynamics on the Transboundary Harirod River Basin: 2001–Present. *Water*, 14(21), Article 21. <https://doi.org/10.3390/w14213442>
31. Momeni, Mohammad; Tonzai, Mohammad Taher. (2020). Economic Diplomacy in Afghanistan: A Post-Taliban Analysis. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 11(32), 541–565.
32. Piltan, Farhad; Sedigh Bathaei Asl, Mohammad. (2017). Principles and Mechanisms of Environmental Cooperation between Iran and Its Neighbors in the Areas of Common Rivers Waters. *Socio-Cultural Strategy*, 5(4), 91–122.
33. Shokory, Jawad Ahmad Nuristani; Schaeffli, Bettina; Lane, Stuart N. (2023). Water resources of Afghanistan and related hazards under rapid climate warming: A review. *Hydrological Sciences Journal*, 68(3), 507–525. <https://doi.org/10.1080/02626667.2022.2159411>
34. Thomas, Vincent; Warner, Jeroen. (2015). Hydropolitics in the Harirod/Tejen River Basin: Afghanistan as hydro-hegemon? *Water International*, 40(4), 593–613. <https://doi.org/10.1080/02508060.2015.1059164>
35. Vareje Kazemi, Mohammad. (2022, May 19). Analysis of Afghanistan's Hydrohegemony. *Institute for East Strategic Studies*. Retrieved from <https://www.iess.ir/fa/analysis/3079/>
36. Zeitoun, Mark; Warner, Jeroen. (2006). Hydro-hegemony – a framework for analysis of trans-boundary water conflicts. *Water Policy*, 8(5), 435–460. <https://doi.org/10.2166/wp.2006.054>